

همه‌پرسی توافقنامه‌امنیتی و انفجارهای بغداد آمریکا از عراق می‌رود؟



محمود رضایی

اوضاع عراق یک‌شدت نابسانام است و ظرف روزهای اخیر انفجارهای متعددی در این کشور رخ داده است که منجر به کشته و زخمی شدن تعداد زیادی از مردم عراق شده است.این انفجارها در شرایطی رخ داد که بسیاری از تحلیلگران برایند مثنی‌ی از وضعیت عراق داشتند و وضعیت امنیت را در این کشور بحران خیز رو به گسترش می‌دانستند، اما انفجارهای گسترده اخیر، بیم بازگشت دوران دهشتناک یکی، دو سال گذشته را برای مردم عراق زنده کرد؛ سال‌هایی که کمتر روزی بدون کشته شدن ده‌ها تن از مردم عادی به شب می‌رسید. این در حالی است که عراق در شرایطی حساس قرار دارد و همه‌پرسی درباره توافقنامه امنیتی بغداد-واشنگتن بزودی برگزار خواهد شد و موافقت یا عدم موافقت مردم‌بااین توافقنامه می‌تواند هم‌برای عراق و هم برای ایالات متحده بسیار مهم باشد. مطابق توافقنامه عقب‌نشینی نیروهای آمریکا از عراق، آنها باید تا ۳۰ ژوئن از همه شهرها و روستاهای عراق خارج و در پایگاه‌های نظامی خود در این کشور مستقر شوند و عقب‌نشینی کامل نیروها نیز تا سال ۲۰۱۲ انجام شود. در این شرایط برخی از تحلیلگران معتقدند، متحدان عراقی ایالات متحده نظیر بقایای حزب منحله بعث، در پشت پرده این انفجارها قرار دارند. این دست تحلیلگران معتقدند سران کاخ سفید با این دست اقدامات تلاش دارند فضای موجود در عراق را ناامن جلوه دهند و بدین وسیله مردم این کشور را برای دادن پاسخ مثبت به توافقنامه‌امنیتی اقناع کنند.

بسا این حال برخی دیگر نیز بسر این باورند که اساسا ایالات متحده هیچ نیامی ندارد تا سال ۲۰۱۲ از عراق خارج شود چرا که منافع کاخ سفید با حضور این کشور در عراق بیش از پیش تأمین خواهد شد. به هر حال عراق در مناطقی استراتژیک واقع شده و از سوی دیگر ایالات متحده می‌تواند با ماندن در این کشور جریان نفت را به عنوان شریان حیات خود و بلوک غرب تضمین کند،لذا به انجای مختلف تلاش دارد سال‌ها حضور خود در عراق را تضمین کند. از این رو برخی نیز معتقدند انفجارهای اخیر عراق بااین هدف از جانب ایالات متحده برنامه‌ریزی و اجرا شده است. با این نگاه، کاخ سفید می‌کوشد تا نیروهای امنیتی بومی عراق را عاجز از برقراری امنیت در این کشور نشان دهد و از این طریق حضور خود را برای ادامه حیات دولت و ملت عراق ضروری جلوه دهد. این در حالی است که مقامات و سران بغداد بارها از آمادگی و توانایی نیروهای عراقی برای برقراری امنیت در این کشور سخن گفته و تأکید کرده‌اند نظامیان عراق قادرند به تنهایی امنیت کشور را تضمین کنند. حتی اظهارنظر چندی بیش ژنرال کیسی وجود این اندیشه را میان سران ایالات متحده تأیید می‌کند. ژنرال جورج کیسی، رئیس ستاد کل ارتش آمریکا چندی پیش تصریح کرد که اگر چه توافقنامه امضا شده بین عراق و آمریکا تأکید می‌کند تمام نیروهای آمریکایی باید تا سال ۲۰۱۲ از عراق خارج شوند اما آمریکا می‌تواند نظامیانیش را به مدت ۱۰نظر دیگر در عراق و افغانستان نگه دارد. به واقع به نظر می‌رسد هر چند باراک اوباما، رئیس‌جمهور ایالات متحده بارها از خروج زودهنگام از عراق سخن گفته و وعده آن را داده است، اما با این حال بقایای نومحافظه‌کارانی که در دولت اوباما پروژه در پتانگون حضور دارند، بشدت با این مسأله مخالفند و تا تلاشند تا به هر نحو ممکن خروج ایالات متحده از عراق را به تعویق بیندازند و حتی هزینه‌های آن را نیز پرداخت خواهند کرد. از آغاز جنگ عراق در ماه مارس ۲۰۰۳، حدود چهار هزار و ۳۰۰ آمریکایی در عراق کشته شده‌اند.

این در حالی است که ایالات متحده بیش از این نیز رازبازی‌های گسترده‌ای را برای به تعویق انداختن همه‌پرسی درباره توافقنامه امنیتی انجام داده بود. با توجه به عملکرد و سلیقه نامطلوب آمریکایی‌ها انتظار می‌رود مردم عراق تمایلی به ماندن ارتش آمریکا در کشورشان ابراز نکنند، لذا دیپلمات‌های آمریکایی در پشت صحنه می‌کوشند بغداد را از برگزاری همه‌پرسی بازدارند. این درحالی است که دولت عراق برای اثبات استقلال خود از واشنگتن طرح‌ریزی برای انجام این رای‌گیری را آغاز کرده و حتی کلینیه نوری المالکی ۹۹ میلیون دلار برای این همه‌پرسی اختصاص داده و قرار است پارلمان نیز قانون جدیدی درباره جزئیات برگزاری این همه‌پرسی وضع کند. با این حال زرمه‌مهایی وجود دارد مبنی بر اینکه دولت حاضر سال همه‌پرسی را از ۳۰ ژوئیه (۸ مرداد) به ژانویه است (انده میلادی (دی‌ماه ۸۸) موکول کرده و آن را همزمان با انتخابات سراسری برگزار کند. دولت هدف از این پیشنهاد را صرفه‌جویی در وقت و پول اعلام کرده است. با این حال به نظر می‌رسد تعویق زمان برگزاری همه‌پرسی، عمل غیر ممکن باشد چرا که در حال حاضر بسیاری موافق برگزاری همه‌پرسی در موعد مقرر هستند و مخالفان از توان رویارویی با این گروه برخوردار نیستند. از سوی دیگر به منظور تعویق زمان همه‌پرسی باید لایحه تازهای درباره آن به پارلمان ارائه شود که در این صورت نیز بررسی لایحه مذکور، حداقل به چند ماه زمان نیاز خواهد داشت.

سران رژیم صهیونیستی اخیرا

رایزنی‌های گسترده‌ای را در سطح منطقه آغاز کرده‌اند و با سفر به کشورهای مختلف به مذاکره با سران کشورها می‌پردازند.
چندی پیش ابیهود باراک، وزیر جنگ رژیم صهیونیستی به قاهره سفر کرد و برخلاف روال معمول که مبارک در تفرجگاه شرم‌الشیخ از سران رژیم صهیونیستی استقبال می‌کرد، با باراک در پایتخت مصر به مذاکره پرداخت.

به‌نظر می‌رسد مبحث‌اصلی که محور مذاکرات دوطرف بوده، مسأله حماس است. پس از پایان جنگ غزه، دولت قاهره که در زمان جنگ مناسبات بسیار نزدیکی با رژیم صهیونیستی برقرار کرده بود و حماس را با روش‌های مختلف تحت فشار قرار می‌داد، به نیابت از اسرائیل با حماس وارد مذاکره شد تا بتواند به عنوان میانجی، آتش‌بسی درازمدت میان حماس و رژیم صهیونیستی برقرار کند. حال آنکه حماس تاکنون این مسأله را نپذیرفته است. از این رو

بسیاری بر این باورند که باراک در جریان سفر خود به قاهره از مبارک درخواست کرده است تا فشارهایش را بر حماس بیشتر و مقاومت را وادار به پذیرش آتش‌بس کند؛ مسأله‌ای که به نظر نمی‌رسد به سادگی محقق شود. از سوی دیگر ابیهود باراک از مبارک درخواست کرده است که حماس را برای آزادی گلداد شالیط تحت فشار قرار دهد. گلداد شالیط چندین سال است به اسارت یکی از گروه‌های فلسطینی درآمده است و حماس اعلام کرده که در صورت آزادی اسرای فلسطینی می‌تواند شرایط آزادی شالیط را فراهم آورد. افزون بر این، پس از اغتشاش‌های اخیر تهران، سران رژیم صهیونیستی تلاش کردند از آب گل آلود ماهی گرفته و زمینه را برای تحت فشار قرار دادن جمهوری‌اسلامی فراهم کنند. از این‌ رو علاوه بر به راه انداختن یک جنگ روانی گسترده، در مذاکرات خود نیز به این موضوع می‌پردازند و در این میان برای همراهی با صهیونیست‌ها برآستی چه کسی را می‌توان بهتر از مبارک یافت؟ کسی که هم‌میانجی اغتشاش‌های صهیونیستی در منطقه و دشمن قسم‌خورده کشورها و گروه‌های حامی مقاومت از جمله ایران، سوریه، حزب‌الله، جهاد اسلامی و حماس محسوب می‌شود. از این رو باراک در مذاکراتش با مبارک تلاش کرد به موضوع اغتشاش‌های اخیر ایران نیز بپردازد. طرحی که پس از سفر وزیر جنگ رژیم صهیونیستی به مصر از جانب دولت قاهره و در قالب روند سازش اشاره شد را نیز می‌توان ماحصل این سفر برای باراک دانست. این طرح که اصطلاحا به طرح ۱۰ ماده‌ای مشهور شده است، کماکان مشکلات همیشگی طرح‌های سازش را د خود دارد؛ طرح‌هایی که در همگی آنها حق مردم مظلوم فلسطینی نادیده گرفته می‌شود و به نحوی تنظیم می‌شوند که کفه ترازوی آن به شکل محسوسی به نفع رژیم صهیونیستی سنگینی می‌کند.

در این طرح ۱۰ ماده‌ای تلاش شده است تا حداقل

سخنرانی اخیر باراک اوباما خطاب به جهان اسلام در قاهره هر قدر هم که جذاب بود، عملا یک نکته بزرگ را «عمله» نادیده گرفت و اشارهای به جنایت جنگی اسرائیل در غزه و علیه مسلمانان این منطقه نکرد. همه مردم منطقه در جریان جنگ ۲۲ روزه غزه با کمال شگفتی و تعجب حجم آتش گسترده اسرائیلی‌ها را به چشم دیدند و این بار دیگر به هیچ‌وجه حاضر نبودند شاهد غفلت از الالم و دردهای فلسطینیان باشند،اما اوباما بازم این غفلت همیشگی سران آمریکا را ادامه داد و در نطق خود هیچ اشارهای به آن نکرد. اگر چه بسیاری از ساکنان غزه از اوباما و امثال اوباما ناامید شده‌اند، اما حداقل برخی از طرفداران او امیدوار بودند از زبان وی بشنوند که راه سازش که آمریکا شبانه‌روز از آن سخن می‌گوید به هیچ‌وجه از دل ویرانی‌های عظیم غزه نمی‌گذرد.

تا به امروز کمترین نشانه‌ای از تامل مقامات آمریکایی در شواهد به دست آمده از جنایات جنگی و دیگر رفتارهای ظالمانه اسررائیل در جنگ غزه و تأیید این رفتارها در آنها دیده نشده است. این در حالی است که پس از جنگ غزه تحقیقات فراوانی از سوی نهادهای بین‌المللی و حتی نهادهای نزدیک به آمریکا درباره ابعاد این جنایات و ویرانی‌های به بار آمده در این جنگ به عمل آمده است و همگی بر این نکته تأکید داشته‌اند که میزان خشونت به کار گرفته شده از سوی اسرائیلی‌ها اصلا قابل پیش‌بینی نبود و با تعداد بالای کشته‌شدگان بجا مانده همه این سازمان‌ها تأکید کرده‌اند که اسرائیل بدون شک مرتکب «جنایت گسترده جنگی» و «جنایت علیه بشریت» شده است. اخیرا دو گزارش جامع در این‌باره منتشر شده و ریچارد گلدستون، بازرس آفریقایی حقوق



اوباما در سخنرانی خود در دانشگاه قاهره از جنایات غزه هیچ نگفت

بین الملل

تأملی در رایزنی‌های اخیر سران رژیم صهیونیستی

طرح ۱۰ ماده‌ای مصر، هدیه جدید اعراب به اسرائیل

سیروس عبدی‌مصباح



گروه‌های فلسطینی و نه انگاشگرایی رژیم صهیونیستی به عنوان منشأ بحران فلسطین نشان داده شود.

به واقع این اقدام فرصتی برای صهیونیست‌ها ایجاد می‌کند که به بهانه برقراری ثبات و اجرای طرح مذکور به سرکوب فلسطینی‌ها و توسعه‌طلبی در کرانه باختری و بیت‌المقدس ادامه دهند.نکته اساسی آنکه مسؤولیت‌های صهیونیست‌ها مشروط به حل اختلاف‌های فلسطینی‌ها شده که عملا صهیونیست‌ها را در اجرای اهدافشان آزاد می‌گذارد. حتی در چارچوب این طرح تلاش شده

گروه‌های فلسطینی را ملزم به آزادی گلداد شالیط، نظامی صهیونیست کنند بی‌آنکه سخنی از آزادی اسرای فلسطینی در بند رژیم صهیونیستی به میان آید. از این رو تلاش شده با تأکید بر حل اختلاف فتح و حماس، رژیم صهیونیستی از اقدامات

ضدانسائی‌اش تیره شود. البته با توجه به اینکه احتمالا این طرح توسط عمر سلیمان تدوین شده است، وجود رویکردهای صهیونیستی در

آن کاملا طبیعی به نظر می‌رسد. «عمر سلیمان» که در حال حاضر رئیس سازمان امنیتی مصر محسوب می‌شود، از شخصیت‌های متنفذ مصر و از گزیندهای اصلی جایگزینی مبارک است و رقابت شدیدی با «جمال مبارک»، فرزند «حسنی مبارک» دارد. وی که مسؤولیت اصلی به تفاهم رساندن گروه‌های فلسطینی را در قالب طرح مصر برعهده دارد، برای خوشامد صهیونیست‌ها و جلب حمایت آنها از هیچ اقدامی کوتاهی نمی‌کند.

با این حال رایزنی‌های سران رژیم صهیونیستی تنها به قاهره ختم نمی‌شود و این رایزنی‌ها بسیار گسترده است. رژیم صهیونیستی که به دلیل سکوت جامعه جهانی همچنان به سیاست کشتار و توسعه‌طلبی ادامه می‌دهد،

اسرائیل جنایت می‌کند، ایالات متحده سکوت

برنورسوجان دوگارد*

بشر سازمان ملل نیز اوایل ماه جاری میلادی سفری به غزه داشت و با دقت فراوان مسائل مختلف را بررسی کرد و در پایان او نیز در گزارش خود با مجرم شناختن اسرائیل همه جنایات این رژیم و سران آن را تأیید کرد. در این رفتارها در میان مرتزبن، رئیس سابق سازمان عفو بین‌الملل با انتشار گزارش دیگری برای سازمان ملل کشته و زخمی شدن بسیاری از فلسطینیان را توسط سربازان اسرائیلی تأیید کرد و اعمال خلاف قوانین این رژیم را به صورت تکتک بیرون کشید و مبلغ خسارات بجا مانده از ویرانی‌های اسرائیل را در غزه ۱۰ میلیارد دلار برآورد کرد. اگر چه در این گزارش به روشنی به جنایات فردی مقامات اسرائیلی اشارهای نشده است، لیکن در بند – بند آن واضح است که تصمیمات سران اسرائیل برای کشتار در برخی مقاطع جنگ غزه مصداق کامل جنایات جنگی بوده است.

در هفتم ماه مه نیز کمیته مستقل حقیقت‌یاب اتحادیه عرب، گزارشی ۲۵۴ صفحه‌ای را منتشر کرد که در آن این جنایات با دقت بیشتری بررسی شد و علاوه بر این ثبعت و پیامدهای حقوقی حمله اسرائیل به غزه نیز مورد ارزیابی کامل قرار گرفت. در این کمیته شش کارشناس برجسته حقوق جهانی، حقوق جنایی و پزشکی قانونی از کشورهای غیرعربی حضور داشتند که با بازدید از منطقه غزه و ارزیابی مسائلی که وجود داشت، همان نتایج قبلی را تأیید کردند و موارد آشکار

برداشت

تأملی در سیاست‌های کاخ سفید

افغانستان، هر روز بدتر از دیروز



علی نرانی

هرچند کسی از ژنرال مک کریستال فرمانده تازه‌وارد نیروهای نظامی ایالات متحده در افغانستان انتظار معجزه ندارد، اما افزایش حملات انتحاری بعد از انتصاب وی افغان‌ها را بشدت نگران کرده است. نزدیک به یک هفته است که مک‌کریستال، جایگزین ژنرال مک کران شده است و در این یک هفته مردم افغانستان روزهای به مراتب سخت‌تری را نسبت به دوران فرماندهی ژنرال مک کران تجربه کرده‌اند. اخیرا حملات بسیاری از جانب طالبان به شهرهای کابل، هلمند و قندهار که از شهرهای اصلی افغانستان محسوب می‌شوند انجام شده است و شاید مهم‌ترین این حملات، حملاتی بود که به پایگاه نیروهای آمریکایی انجام شد و واهمه نیروهای آمریکایی را صدچندان کرد. برع‌رغم آنکه باراک اوباما از بدو آغاز به کارش در کاخ سفید و رسیدن به سمت ریاست جمهوری وعده داده بود سیاست‌های ایالات متحده را درباره افغانستان کاملا دگرگون خواهد کرد اما در حال حاضر کماکان اوضاع وخیمی را شاهد هستیم؛ شرایطی که نهایتا منجر به عزل ژنرال مک کران‌ان شد. این در حالی است که طالبان ۷۰ درصد خاک افغانستان را عملا در اختیار دارد و سران ایالات متحده خود به این نکته اذعان کرده‌اند که در افغانستان به هیچ‌وجه موفق نبوده‌اند. به تازگی اخباری نیز منتشر شده است مبنی بر اینکه ملاعمر، فرمانده اصلی طالبان افغانستان شخصا هدایت عملیات نیروهایش را در تمام خاک افغانستان برعهده گرفته است و این دقیقا همان چیزی است که می‌تواند اوضاع را برای نیروهای آمریکایی و نیروهای ناتو وخیم‌تر کند. اکنون به سبب وضعیت موجود شخص باراک اوباما نیز انتقاده‌ها و فشارهای بسیاری را تحمل می‌کند، چرا که تاکنون هزینه‌های بسیاری را پرداخته و در ازای آنها دستاوردی نداشته است. در این مدت تعداد نیروهای ایالات متحده در افغانستان افزایش قابل توجهی داشته است و علاوه بر آن متحدان اروپایی کاخ سفید نظیر آلمان نیز نیروهای خود را در افغانستان افزایش داده‌اند. این رو مطابق نبودن هزینه‌ها و دستاوردهای ایالات متحده در افغانستان عرصه را بر باراک اوبامای جوان تنگ کرده است.بویژه که نمی‌توان چندپانزاد روشنی برای ایالات متحده در افغانستان قائل بود. در حال حاضر این حملات در مقطع زمانی حساسی تشدید شده است. در شرایطی که رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری افغانستان آغاز شده و قرار است انتخابات در مرداد ماه برگزار شود، این دست رخدها ناراضایتی‌ها را از سیاست‌های ایالات متحده، تشدید کرده است. از سوی دیگر وضعیت پاکستان نیز به عنوان کشور هم‌رمز با افغانستان کماکان بسیار مهم است. وضعیت پاکستان بشدت بر اوضاع افغانستان تأثیرگذار است. بویژه که طالبان دو کشور با یکدیگر ارتباطی نزدیک دارند و تضعیف طالبان پاکستان به تضعیف طالبان افغانستان منجر خواهد شد.

فسفر سفید در مناطق پرجمعیت غزه در جریان جنگ ۲۲ روزه در حال حاضر کاملا اثبات شده است و جای هیچ‌گونه شکی در آن نیست. همه این شواهد بسیاری از دُخנית‌های مرا نسبت به مقامات اسرائیلی تغییر داد و پوچ بودن بسیاری از شعارهای آنان را برای من مشخص کرد. بر اساس نتایج گزارش ما، اسرائیل در این جنگ یکپاز و ۴۰۰ نفر از جمله ۸۵۰ نفرنظامی را کشته، ۵ هزار نفر را مجروح کرده و بیش از ۳ هزار منزل مسکونی را ویران کرده است. در این میان در قتل‌های خود به هیچ‌وجه تمایزی میان اهداف نظامی و غیرنظامی قائل نشده است. شهروندان را مورد هدف قرار داده و با توجیهات بی‌اساس نظامی به بیمارستان‌ها، مساجد و مدارس حمله کرده است. اینها گوشه‌ای از نتایج این گزارش ۲۵۴ صفحه‌ای است که در جای جای آن به این جنایات اشاره شده است، اما سوالی که باقی می‌ماند این است که با همه این گزارش‌ها و اخباری که از نتایج جنگ غزه منتشر شد و همگی نیز بر جنایات اسرائیل متمرکز است، چرا که به طور گسترده تأکید داشتند، چرا باراک اوباما در سخنرانی اخیر خود که با امید آشتی و نزدیکی با جهان اسلام ایراد شد از این دامنه وسیع جنایات حتی به یک مورد نیز اشاره نکرد و در حالی که همه می‌دانند در این روزها مشکلات آمریکا و اسرائیل به بالاترین حد خود رسیده چرا یک بار هم که شده برای نشان دادن حسن‌نیت خود به فلسطینی‌ها از این جنایت و ویرانی بزرگ سخنی به میان نیاورد؟!
«تحلیگرد حقوق‌دان برجسته بین‌المللی اهل آفریقای جنوبی
ترجمه:مجتبی صادقیان

